

یادداشتی دیگر در نقد اظهارات مجید مهران

به دنبال چاپ گفت‌وگو با مجید مهران در شماره ۹ فصلنامه تاریخ معاصر ایران و اظهارات نامبرده در خصوص شخصیت و عملکرد تعدادی از رجال و مدیران ارشد وزارت خارجه، چندی قبل یادداشت زیر از سوی آقای عزالدین کاظمی به مؤسسه ارسال گردید. قبل از مطالعه یادداشت ایشان، توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می‌نمایم که فصلنامه تاریخ معاصر ایران از هر گونه نقد و نظر نسبت به محتوای اظهارات گفت‌وگو شوندگان و سایر مطالب و مقالات مندرج در هر یک از شماره‌ها استقبال می‌کند. همچنین خوشحال می‌شویم چنانچه این نقدها مستند، دقیق و محتوایی باشند و اخلاق نوشتاری در آن رعایت شود.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

باسلام

در شماره ۹ فصلنامه آن مؤسسه (بهار ۱۳۷۸) مطالبی به قلم یکی از کارمندان بازنشسته وزارت امور خارجه درباره عده‌ای از رجال متوفی به رشته تحریر درآمده است که متأسفانه در اغلب موارد از واقعیات بسیار دور می‌باشد.

از جمله درباره مرحوم باقر کاظمی (پدر اینجانب) عنوان کرده است که آن مرحوم فراماسون بوده و مورد اعتماد شادروان دکتر محمد مصدق نیز قرار نداشته است.

اینک در برابر این روایات نادرست - ناچار توضیحاً اشعار می‌دارد:

۱. مرحوم باقر کاظمی هیچگاه فراماسون نبوده و در هیچیک از فهرست‌های منتشره نام او ذکر نشده.
 ۲. در تمامی دور نخست وزیری شادروان محمد مصدق - مرحوم باقر کاظمی متناوباً وزیر امور خارجه و وزیر دارایی و در عین حال نایب‌رئیس و وزیر در هیئت وزیران بوده و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز به خاطر همکاری نزدیک با آن شادروان و نهضت ملی سالها زندانی و در تبعید و مورد غضب بوده است.
 ۳. نویسنده این مطالب از لحاظ اجتماعی و اداری در سطحی نبوده و نیست که بتوان روایات و تشخیص او را که فقط متکی بخاطرات شخصی و شایعات و نقل قولهای شفاهی و ناظر سالهای بسیار دور گذشته است دارای ارزش اطلاعاتی یا تاریخی دانست. بخصوص که نقل قولهای بیشتر از شخصی است^۱ که خود آن شخص از نظر اجتماعی و سیاسی مورد تردید و تشکیک بسیار می‌باشد.
- بنابراین مراتب - تمنی دارد این مختصر را در شماره آتی آن فصلنامه درج فرمائید.

با احترام و تشکر

عزالدین کاظمی

۱. منظور علی سهیلی است.

تبعید آیت‌الله قاضی و چند نکته

توضیحی بر اظهارات علی دهقان، استاندار پیشین آذربایجان

مطلبی که در پی می‌آید توضیحی است در مورد برخی اظهارات آقای علی دهقان، استاندار پیشین آذربایجان در مورد جریان دستگیری آیت‌الله قاضی که در فصلنامه شماره یازدهم به چاپ رسیده بود. با تشکر و قدردانی از این خواننده نکته‌سنج آن را در زیر می‌خوانید.

با سلام، فصلنامه تاریخ معاصر ایران احتراماً به استحضار می‌رساند در گفت‌وگویی که با جناب آقای علی دهقان استاندار سابق آذربایجان شرقی چاپ شد (شماره ۱۱، فصلنامه صفحه ۳۰۸) مطالبی درباره تبعید آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی گفته شده است که لازم دیدم مطلب زیر جهت آگاهی بیشتر خوانندگان به عنوان توضیحی بر این قسمت گفت‌وگویی ایشان چاپ شود.

آیت‌الله قاضی طباطبایی (۱۲۹۴ هـ.ش - ۱۳۵۸ هـ.ش) در تبریز به دنیا آمد تحصیلات علوم دینی را در مدرسه طالیبه، حوزه قم و نجف ادامه داد. در دوران تحصیل در قم با حضرت امام رابطه صمیمی داشت و یکی از شاگردان ممتاز امام بود. در جنبش سراسری علیه تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ وارد مبارزات شد. دوم فروردین سال ۱۳۴۲ که در آن سال برگزاری مراسم عید را امام تحریم کرده بود، هنگامی که مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالیبه تبریز مورد هجوم نیروهای نظامی رژیم واقع شد در مسجد مقبره به مناسبت شهادت امام صادق علیه‌السلام مجلس ختم باشکوهی منعقد کرد. ایشان همچنین هر روز چهارشنبه بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد شعبان به منبر رفته در موضوع عقاید سخنرانی می‌کرد. بعد از این واقعه موضوع سخنرانیهای خود را به مسایل سیاسی روز اختصاص داده دستورات و رهنمودهای امام خمینی را که شبکه سری مبارزات از قم به وی منتقل می‌کردند در تبریز اجرا می‌نمود.

با ادامه مبارزات و سازماندهی اعتراضات مردمی مقامات امنیتی آذربایجان چندین مرتبه قصد تبعید وی را از تبریز داشتند که با انتشار خبر تبعید و تعطیل بازار از انجام آن منصرف می‌شدند. استاندار آذربایجان در گزارشی به رئیس ساواک تبریز دستور می‌دهد:

[آرم استانداری آذربایجان شرقی]

شماره: ۱۷۱۴

تاریخ: ۴۲/۵/۲۶ [۱۳]

محرمانه

تیمسار سرتیپ مهرداد ریاست سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی

بطوری که از شهربانی گزارش می‌دهند آقای قاضی طباطبایی روز ۲۳ ماه جاری در مسجد شعبان مطالب تنیدی در مورد تحریم انتخابات و تحریک مردم بیان داشته، دستور فرمائید مراقبت کامل نمایند و به ایشان به وسایل مقتضی که خودتان پیشنهاد می‌کردید حواقیق سوء این بیانات تذکر داده شود بطوری که دیگر تکرار نشود. مخصوصاً شخصاً مطالعه فرمائید در صورت ضرورت تبعید ایشان چه عکس‌العملی در

بین بازاریان و متعصبین خواهد داشت، نتیجه را اطلاع دهید.

استاندار آذربایجان شرقی

[امضاء ۲۲/۵/۲۱]

[آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت‌الله قاضی طباطبایی، کد ۷۵۵ جلد اول سند شماره ۰۲۲]

در پی این دستور مهرداد به اداره کل سوم ساواک ۱۳۴۲/۵/۲۷ گزارش داد:

آقای میرزا محمدعلی قاضی طباطبایی فعلاً در بین روحانیون تبریز تنها شخصی است که با آوردن اعلامیه‌های منتشره از طرف روحانیون نهران و قم و نجف به تبریز و بخش محرمانه آن بوسیله ابادی خود موجبات ناراحتی‌هایی را فراهم نموده است...

[باران امام به روایت ساواک، آیت‌الله سیدمحمد قاضی طباطبایی، (جلوه محراب، نهران،

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۷]

علی‌رغم تصمیم قطعی به تبعید آیت‌الله قاضی و تعدادی از علما تبریز، دستگیری و تبعید آنها تا تاریخ ۱۳۴۲/۹/۱۳ به تأخیر افتاد در این تاریخ دستگیر و به تهران اعزام شدند و مدتی را در زندان به سر بردند در تاریخ ۱۳۴۲/۱۱/۱۴ با اخذ تعهد مبنی بر عدم ترک حوزه استحفاظی تهران آزاد شدند که وی پس از آزادی با آیت‌الله سید محمدهادی میلانی در مشهد دیدار کرد.

در ورودین سال ۴۲ که رژیم ناچار امام خمینی را آزاد کرده بود برای دیدن وی به قم رفت و با دستور امام بدون اجازه مقامات ساواک راهی تبریز شد که با هماهنگی و سازماندهی شبکه مبارزان مسلمان استقبال عظیم و پرشکوهی روز ۱۳۴۳/۲/۴ به عمل آمد که یکی از روزهای به یاد ماندنی تاریخی تبریز می‌باشد.

عزیمت بدون اجازه و استقبال بی‌نظیر از وی در تبریز مقامات عالی ساواک در تهران را به تکاپو واداشت. پس از اطلاع ساواک از عزیمت وی به تبریز تیمسار مقدم مدیرکل اداره سوم ساواک از ظرف رئیس ساواک به ساواک تبریز دستوری فوری صادر کرد که:

[آرم ساواک]

تاریخ: ۴۳/۲/۳

شماره: ۳۲۱/۶۵۲۰

تلگراف - مرر

تبریز

بفرموده تیمسار قائم‌مقام ریاست ساواک طبق اطلاع آیت‌الله قاضی به تبریز حرکت کرده است در اسرع وقت دستگیر و به تهران اعزام دارید. در صورت نبودن تیمسار مهرداد در محل معاونشان این کار را انجام دهند نتیجه فوراً به مرکز گزارش شود.

شماره ۳۲۱/۶۵۲۰ - ۱۳۴۳/۲/۳ مقدم [امضاء]

بر عکس تصور ساواک و علی‌رغم بیماری آیت‌الله قاضی همان شیوه سابق خود را ادامه داد و سخنرانهای شدیدالحنی در مسجد شعبان ایراد کرد. این رویه ضرورت دستگیری مجدد وی را ایجاب می‌کرد، که بین تیمسار مهرداد و علی دهقان استاندار در مورد تاریخ دستگیری اختلاف نظر به وجود آمد. رئیس ساواک آذربایجان خواهان دستگیری سریع آیت‌الله قاضی طباطبایی بود در حالی که استاندار

دستگیری وی را تا چند روز بعد از سالروز کودتای ۲۸ مرداد به صلاح نمی‌دانست:
تلگراف وارده

تاریخ ۴۳/۵/۲۶
شماره: ۵۲۵

از: تبریز
به: تهران

در اجرای اوامر عالی که ظهر امروز وسیله تلفن ابلاغ گردید پس از تهیه مقدمات امر و صدور دستورات لازم مراتب طبق معمول به اطلاع آقای استاندار رسید و ایشان به علت تصادف فردا و پس فردا با روز ۲۷ و ۲۸ مرداد با توجه به دعوتهایی که از طبقات مختلف مردم به عمل آمده و اجتماعات و تظاهرات که ظرف دو روز مذکور در نقاط مختلف شهر صورت خواهد گرفت انجام عمل را تا ۲۸ ساعت دیگر مقرون به مصلحت ندانسته و اظهار داشتند که نظر خودشان را به استحضار تیمسار ریاست خواهد رسانید. بعداً نیز پس از مذاکره تلفنی با تیمسار گفتند موافقت شد که موکول به روز پنجشنبه بشود. مقرر فرمائید در صورتی که نظر ایشان مورد تصویب واقع شده است مراتب را امر به ابلاغ فرمائید در غیر این صورت همان امریه قبلی اجرا گزارده شود. ۴۳/۵/۲۶-۵۲۵-مهرداد^۱

در این اختلاف نظر بر سر تاریخ دستگیری مجدد آقای قاضی، مقامات عالی ساواک نظر استاندار را مورد تصویب قرار دادند. پاکروان به ساواک تبریز دستور داد:

رمز - تبریز

برای رعایت نظر استاندار بازداشت را به شب ۲۹ موکول کنید اما در آن شب حتماً انجام گیرد.
۴۳/۵/۲۶-۱۳۰/۹۵۱-سرلشکر پاکروان^۲

مجدداً آیت‌الله قاضی در ۲۹ مرداد دستگیر و به تهران اعزام شد. گرچه استاندار بالاترین مقام سیاسی استان بود و ساواک تبریز هم می‌بایست اقدامات خود را با استاندار هماهنگ می‌کرد ولی ساواک تبریز از مرکز دستور می‌گرفت نه استاندار. از اینرو با توجه به روحیات خاص و علائق مذهبی استاندار وی در مقابل روحانیت آذربایجان سعی در برگزاری مسالمت‌آمیز جریانها داشت. چنان که می‌دانیم در پی قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ اغلب علما شهرستانهای بزرگ چون تهران، قم، شیراز، مشهد، اصفهان دستگیر و در تهران زندانی شدند. در صورتی که در تبریز دستگیری علما تا حدود شش ماه بعد صورت گرفت. و گذشته از این علی‌رغم تظاهرات ضد رژیم در خرداد - محرم - سال ۴۲ و اعتصابات متعدد بازار برخوردی خونی مثل روز ۱۵ خرداد در تهران، قم و ورامین در تبریز روی نداد.

ناگفته نماند دستگیریهای آیت‌الله قاضی در سال ۴۲ و ۴۳ به دستور ساواک مرکز بوده است و در این قضایا موافقت یا عدم موافقت استاندار عملاً تأثیری نداشت. نمونه اختلاف نظرهایی که بین رئیس ساواک تبریز و آقای دهقان در سومین بازداشت و تبعید آقای قاضی وجود داشت، بر سر تاریخ و چگونگی آن دیده می‌شود حکایت از عدم تفاهم استاندار و ریاست ساواک تبریز می‌کند که این رویه خوشایند رژیم نبود از اینرو علی دهقان از سمت خود برکنار و به جای او یکی از نظامیان بازنشسته - سرتیپ صفاری - به استانداری آذربایجان شرفی منصوب شد.

رحیم نیکبخت